

ترتیب تولد چه تأثیری روی شکل‌گیری شخصیت شما دارد؟

علیرغم مشترک بودن زن‌ها و محیط، خواهر و برادرها اغلب آن‌قدرها که تصور می‌شود، شبیه‌ی هم نیستند. اما منشاء این تفاوت چیست؟

به گزارش سایت خبری پرسون، آلفرد آدلر (Alfred Adler)، روان‌درمانگر اتریشی که در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ زندگی می‌کرد، معتقد بود که ترتیب تولد روی ویژگی‌های شخصیتی افراد تأثیر دارد. آدلر بچه‌ی بزرگ خانواده را وظیفه‌شناس و گاهی محافظه‌کار و کوچک‌ترین بچه را جاه‌طلب می‌دانست. به گفته‌ی آدلر، بچه‌های میانی موقعیت مطلوبی در خانواده دارند و با ثبات عاطفی مشخص می‌شوند. آدلر در بین هفت فرزند دومین نفر بود.

دکتر کوین لمان (Kevin Leman)، روانشناسی که از سال ۱۹۶۷ به مطالعه‌ی ترتیب تولد پرداخته، بر این باور است که راز وجود تفاوت‌های شخصیتی بین فرزندان یک خانواده در ترتیب تولد آن‌ها و نحوه‌ی رفتار والدین نهفته است. مری والاس (Meri Wallace)، درمانگر کودک و خانواده هم با نظریه‌ی ترتیب تولد موافق است و این‌گونه توضیح می‌دهد که بعضی از ویژگی‌های شخصیتی به نحوه‌ی ارتباط والدین با کودک، متناسب با جایگاه‌های او در خانواده، مربوط می‌شود و بعضی از خصوصیات هم در حقیقت به دلیل شرایط خاص آن جایگاه ایجاد می‌شوند.

در این مقاله از دیجی‌کالا مگ قصد داریم در مورد ارتباط بین ترتیب تولد و شخصیت صحبت کنیم. اگر می‌خواهید بدانید تا چه حد ویژگی‌ها و خصوصیات رفتاری شما به ترتیب تولدتان مربوط می‌شود، ما را تا انتهای این مطلب همراهی کنید.

ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات فرزند اول

معمولاً اولین فرزند خانواده با ترکیبی از غریزه و آزمون و خطا بزرگ می‌شود. این موضوع اغلب باعث می‌شود که والدین قوانین سختگیرانه‌ای برای ترتیب فرزندان داشته باشند و بیش از حد به مسائل جزئی اهمیت دهند. این امر به نوبه‌ی خود ممکن است باعث تبدیل کودک به یک فرد کمال‌گرا شود که همیشه برای جلب رضایت والدین خود تلاش می‌کند.

معمولاً فرزند اول خانواده سخت‌کوش است، می‌خواهد در هر کاری که انجام می‌دهد، سرآمد باشد و گاهی اوقات ممکن است مانند بزرگسالان رفتار کند. سایر ویژگی‌هایی که معمولاً در فرزند اول مشاهده می‌شوند، عبارتند از:

نقاط قوت فرزند اول

فرزند اول عادت دارد که در مرکز توجه قرار داشته باشد. او قبل از تولد خواهر یا برادر خود، تمام توجهی پدر و مادر را دریافت می‌کرده است. فرانک فارلی (Frank Farley)، دکترای روانشناس در دانشگاه تمپل فیلادلفیا (Temple University) می‌گوید: «بسیاری از والدین زمان بیشتری را صرف توضیح دادن چیزهای مختلف به فرزند اول می‌کنند. وقتی بچه‌های دیگر متولد شده و وارد محیط خانواده می‌شوند، هیچ چیز به همین راحتی نیست.»

وی توضیح می‌دهد: «این توجهی بی‌نظیر ممکن است ارتباط زیادی با این موضوع داشته باشد که چرا فرزندان اول خانواده بیش از حد موفق به نظر می‌رسند.» علاوه بر این، معمولاً در آزمون‌های بهره‌ی هوشی (IQ) نمره‌ی بالاتری می‌گیرند و به‌طور کلی تحصیلات بیشتری نسبت به سایر خواهران و برادران خود دارند.

چالش‌های فرزند اول

معمولاً فرزند اول خانواده به تیپ شخصیتی A تعلق دارد. دکتر میشل مایدنبرگ (Michelle P. Maidenberg)، درمانگر کودک و خانواده می‌گوید: «فرزند اول خانواده اغلب ترس شدیدی از شکست دارد، بنابراین از نظر او هیچ‌یک از کارهایی که انجام می‌دهد به اندازه‌ی کافی خوب نیست و چون از اشتباه کردن می‌ترسد، ریسک نمی‌کند. معمولاً این افراد انعطاف‌ناپذیر هستند، تغییر را دوست ندارند و برای خروج از منطقه‌ی امن خود در تردید به‌سر می‌برند.»

علاوه بر این، از آنجایی که فرزند اول معمولاً در خانه مسؤلیت زیادی بر عهده دارد (کمک کردن در کارهای خانه و مراقبت از خواهر و برادرهای کوچک‌تر)، می‌تواند به‌سرعت مسؤلیت را بر عهده بگیرد و ریاست کند. اما همین مسؤلیت می‌تواند به کودکی که برای بهتر بودن خود را تحت فشار قرار می‌دهد، استرس زیادی وارد کند.

خصوصیات و ویژگی‌های فرزند وسط

وقتی یک زوج صاحب فرزند دوم می‌شوند، ممکن است به دلیل تجربه‌ی قبلی، او را با سخت‌گیری کمتری بزرگ کنند. همچنین احتمال دارد توجهی کمتری به فرزند دوم خود داشته باشند، چون کودکان بزرگ‌تر یا کوچک‌تری هم در زندگی آن‌ها وجود دارند. بنابراین، فرزند وسط به این دلیل که نسبت به خواهر و برادر بزرگ‌تر یا کوچک‌تر خود توجهی کمتری دریافت می‌کند، اغلب به دنبال کسب رضایت دیگران است.

مری والاس می‌گوید: «فرزند وسط اغلب احساس می‌کند که کنار گذاشته شده است و این حس را دارد که خب، من بزرگ‌ترین نیستم. کوچک‌ترین هم نیستم. من کیستم؟» این موضوع باعث افزایش گرایش فرزند میانی به سمت همسالان خود می‌شود. چون بیشتر توجهی والدین معمولاً به اولین یا کوچک‌ترین فرزند اختصاص دارد. به‌طور کلی، فرزندان میانی خانواده تمایل دارند ویژگی‌های شخصیتی زیر را داشته باشند:

خواهان کسب رضایت مردم
تا حدودی سرکش
موفق در دوستی‌ها
برخورداری از دایره‌ی اجتماعی بزرگ
صلح‌طلب

نقاط قوت فرزند میانی

معمولاً فرزندان میانی خانواده سخت‌گیر نبوده و شرایط را می‌پذیرند. وقتی یک خواهر یا برادر کوچک‌تر وارد خانواده می‌شود، آن‌ها باید یاد بگیرند که چگونه دائماً مذاکره و مصالحه کنند تا با همه سازگار شوند. به همین دلیل است که بچه‌های میانی نسبت به خواهر و برادر بزرگ‌تر و کوچک‌تر خود از

نظر سازگاری امتیاز بیشتری کسب می‌کنند.

با توجه به اینکه این بچه‌ها در خانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، تمایل دارند پیوندهای قوی‌تری با دوستان خود ایجاد کنند و نسبت به برادران و خواهران خود کمتر به خانواده وابسته باشند. لیندا دانلیپ (Linda Dunlap)، دکترای روانشناس در کالج ماریست (Marist College) نیویورک، می‌گوید: «بچه‌های میانی معمولاً اولین نفر از بین خواهر و برادرهایشان هستند که با خانواده‌ی دیگری به سفر می‌روند یا می‌خواهند یک شب در خانه‌ی دوست خود بخواهند.»

چالش‌های فرزند میانی

متأسفانه، فرزندان میانی خانواده اغلب کاملاً آگاه هستند که به اندازه‌ی خواهر و برادر بزرگ‌تر یا کوچک‌تر خود مورد توجه‌ی والدین قرار نمی‌گیرند و احساس می‌کنند نیازها و خواسته‌های آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. دکتر مایدنبرگ می‌گوید: «بچه‌های وسط در خانواده در موقعیت دشواری قرار دارند، چون فکر می‌کنند سایر اعضای خانواده برای آن‌ها ارزشی قائل نیستند.»

البته این تصور چندان نادرست نیست. در یک نظرسنجی، یک سوم والدین دارای سه فرزند اعتراف کردند که به فرزند میانی خود بسیار کمتر از دو فرزند دیگر توجه می‌کنند.

خصوصیات فرزند آخر خانواده

معمولاً کوچک‌ترین فرزند خانواده از یک روحیه‌ی آزادمنشانه برخوردار است. مهم‌ترین خصوصیات فرزند آخر عبارتند از:

عاشق خوش‌گذرانی
برون‌گرا
به دنبال جلب توجه
خودمحور

نقاط قوت کوچک‌ترین فرزند خانواده

با توجه به اینکه عموماً بچه‌ی آخر قوی‌ترین یا باهوش‌ترین فرزند خانواده نیست، روش‌های خاص خود را برای جلب توجه دارد. این افراد سعی می‌کنند با شخصیت اجتماعی‌شان دیگران را مجذوب خود کنند. پس جای تعجب نیست که بسیاری از بازیگران و کم‌دین‌های مشهور فرزند آخر خانواده هستند.

معمولاً فرزند کوچک خانواده با ماجراجویی‌های خود در کانون توجه قرار می‌گیرد. فرزند آخر نسبت به خواهر یا برادر بزرگ‌تر خود تمایل بیشتری به تجربیات غیرمتعارف و ریسک‌های فیزیکی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که فرزندان بزرگ‌تر خانواده فعالیت‌هایی مانند دومیدانی و تنیس را ترجیح می‌دهند، اما فرزندان کوچک‌تر به فوتبال علاقه‌مند هستند.

چالش‌های کوچک‌ترین فرزند خانواده

به گفته‌ی دکتر لمان، بچه‌ی آخر خانواده این احساس را دارد که هر کاری انجام دهد، مهم نیست. به عبارت دیگر، هیچ‌یک از دستاوردهایش جدید یا هیجان‌انگیز به نظر نمی‌رسد. خواهر و برادرهای او قبلاً یاد گرفته‌اند که صحبت کنند، بخوانند و دوچرخه‌سواری کنند. بنابراین، والدین نسبت به دستاوردهای کوچک‌ترین عضو خانواده واکنش کمتری نشان می‌دهند و حتی ممکن است او را با سایر فرزندان مقایسه کرده و بپرسند «چرا نمی‌تواند این کار را سریع‌تر از سایر فرزندان مان انجام دهد؟»

فرزند آخر خانواده یاد می‌گیرد که از نقش خود به‌عنوان کودک برای تأثیرگذاری روی دیگران استفاده کند. دکتر لمان معتقد است که این بچه‌ها کمتر تنبیه می‌شوند. غالباً والدین فرزند آخر را نازپروده بار آورده و نمی‌توانند او را مطابق استانداردهای خواهر و برادرش بزرگ کنند.

ویژگی‌های شخصیتی تک فرزندها

تک فرزند بودن یک موقعیت منحصر به فرد است. تک فرزندها بدون اینکه خواهر و برادری برای رقابت کردن داشته باشند، تمام توجه و حمایت والدین را به انحصار خود درمی‌آورند، آن هم نه برای یک مدت کوتاه مثل فرزند اول، بلکه برای همیشه. در حقیقت، تک فرزندها این امتیاز و همچنین این مسؤولیت را دارند که همه‌ی حمایت‌ها و انتظارات والدین را بر دوش بکشند. از مهم‌ترین خصوصیات تک فرزندها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اگرچه بین ترتیب تولد و شخصیت ارتباط وجود دارد، اما نمی‌توان شکل‌گیری شخصیت را فقط به آن نسبت داد. عوامل متعددی مثل وضعیت اقتصادی-اجتماعی، نگرش والدین و تأثیرات اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش دارند. ترتیب تولد ممکن است بتواند بخشی از تمایلات و خصوصیات فرد را توضیح دهد، اما برای بررسی شخصیت باید تمام چیزهایی را که در زندگی فرد رخ می‌دهند، در نظر گرفت.

اگر با مشکلات روحی و عاطفی دست و پنجه نرم می‌کنید، آن را فقط به ترتیب تولد خود ربط ندهید و به روان‌درمانگر مراجعه کنید. روان‌درمانگر می‌تواند به یافتن علت اصلی بعضی از مشکلات کمک کند و در عین حال به شما این امکان را بدهد که تغییرات لازم برای داشتن یک زندگی شاد و رضایت‌بخش را کشف کنید.